



شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به مثابه حوزه عمومی

(با تأکید بر گروه‌های پیام‌رسان تلگرامی)

قاسم مشکینی^۱، اصغر احمدی^۲، سجاد مرجانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۵، تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۲۶

چکیده

شبکه اجتماعی را می‌توان عرصه پیچیده از روابط انسانی قلمداد کرد که در عصر حاضر و در میان کنشگران اجتماعی ظهور کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده حوزه عمومی و تطبیق آن با پیام‌رسان تلگرام می‌باشد. این تحقیق با روش کیفی و بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوا صورت گرفته است؛ در راستای پژوهش حاضر، در بازه زمانی یک هفته تعداد ۹ گروه تلگرامی به صورت هدفمند انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد پیام‌رسان تلگرام علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خود که فرصت مناسبی برای انتشار و نقد و بررسی مطالب مربوط به واقعیت‌های اجتماعی، امکان آزادی بیشتر و... را دارد. این پیام‌رسان را نمی‌توان به مثابه حوزه عمومی قلمداد کرد، اما می‌تواند به امر شکل‌گیری حوزه عمومی کمک شایانی داشته باشد. قابل ذکر است که از میان مؤلفه‌های حوزه عمومی؛ «مطرح شدن موضوعات مدنی» بیش از سایر مؤلفه‌ها به حوزه عمومی نزدیک شده است اما مؤلفه «آزادی بیان، برابری در گفتگو و ایجاد فضای گفتمانی» شکل تضعیف‌شده و تغییر شکل یافته‌ای از حوزه عمومی را به نمایش می‌گذارند.

واژگان کلیدی: حوزه عمومی، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، پیام‌رسان تلگرام، گفتگو.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان؛ meshkini.01@gmail.com
۲ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی؛ ahmadi.asghar@gmail.com
۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد؛ sajjadmarjani@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه تحول گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً متفاوتی از مفهوم و عملکرد تأثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را تحول انقلابی در عرصه ارتباطات می‌دانند، شروع پارادایمی جدید در زندگی جوامع امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته است (Dillon & Bushman, 2015: 145). به نظر اسلوین^۱ (2002) ارتباطات الکترونیک، تنها شیوه ارتباط ما را دگرگون نمی‌کنند، بلکه آنها همچنین شیوه فعالیت و سازمان‌یافتن جامعه ما را نیز تغییر می‌دهند.

براین اساس از نظر وی پیدایش اینترنت یک پیشامد اتفاقی در خلال پیدایش و توسعه مدرنیته متاخر نیست؛ بلکه پیدایش اینترنت کاملاً به آنچه الیش بک^۲، آنتونی گیدنز^۳ و اسکات لاش^۴ (1994) تحت عنوان «مدرنیته بازانديشانه» می‌دانند، مربوط است (قانع‌راد و جنادله، 1394: 32)؛ زیرا استفاده از اینترنت، منجر به شکل‌گیری مجدد اجتماعات، سازمان‌ها و هویت فردی و به تبع آن به چالش‌کشاندن مفاهیم سنتی دموکراسی، زندگی عمومی و نحوه درگیری ما با این مقوله‌ها می‌شود. اینترنت به دلیل گسترش فزاینده آن و همچنین قابلیت‌های منحصر به فرد خود، جهان جدید و متفاوتی را به وجود آورده که امروزه از آن تحت عنوان «فضای مجازی» نام برده می‌شود (همان: 2). شبکه‌های اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تغییر، با قابلیت‌ها و امکانات خود نه تنها تأثیر عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده، بلکه در زمینه‌های مختلف به عنوان مثال، آموزش و پرورش، پزشکی، تجارت و قانون، کاربرد فراوان یافته است (عدلی‌پور و همکاران، 1392: 92-91).

تسهیل دسترسی به فضای مجازی و اینترنت و ضرورت حداقلی بهره‌گیری از آن، تسهیل و بهبود جنبه‌های مختلف عملکردی، به ویژه در عملکردهای تحصیلی و شغلی، منجر به تبدیل شدن پدیده حاضر به بخشی اساسی از زندگی مردم و افزایش بیش از حد تعداد کاربران آن شده است (Dillon & Bushman, 2015: 145). شبکه‌های اجتماعی مجازی محل گردهمایی میلیون‌ها کاربر است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تمایل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. در واقع فضای مجازی مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و

1 Slevin

2 Ulrich Beck

3 Anthony Giddens

4 Scott Lash

گوشی و ابزارهای مخابراتی، بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی می‌باشد (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۵). این شبکه‌ها با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند و به‌شدت در حال گسترش هستند و در آینده، نقش به‌مراتب بیشتر و مهم‌تری را در زندگی بازی خواهند کرد (قصابی و نقیب‌السادات، ۱۳۹۴: ۸۸-۸۷).

به دلیل فضای رسانه‌ای محدود در ایران و به‌رغم فیلتر بودن شبکه اجتماعی، گسترش اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان به همراه بهره‌گیری از امکانات همگرایی رسانه‌ای و تنوع بالا، سبب شده است تا فضای مجازی با استقبال مخاطبان ایرانی روبه‌رو شود (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۴). همچنین به‌دلیل کم‌رنگ بودن کارکردهای اقتصادی و تجاری این فضا، بیشتر رنگ و بوی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارند. کاربران ایرانی به دلیل موانع و محدودیت‌های موجود در شرایط عینی و ذهنی زندگی خود و گسترش تعامل با دیگرانی که امکان برقراری کنش متقابل با آنان در دنیای واقعی بسیار اندک یا پرهزینه (چه از لحاظ اجتماعی، سیاسی یا حتی اقتصادی) است، به فضای مجازی روی می‌آورند و در پی جبران فقدان جامعه مدنی گسترده، حوزه عمومی مستقل از دولت و کم‌رنگ بودن گسترده مشارکت اجتماعی در دنیای واقعی و نیز به‌منظور دستیابی و تأمین نیازهای مغفول مانده در دنیای واقعی و همچنین کسب تجربه‌های جدید و فرصت‌های بیشتر، زیستن در این فضا را به‌طور نیمه‌فعال یا فعال تجربه می‌کنند (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). این گسترش ارتباطات و رسانه‌های جدید، فضاهایی را به‌وجود می‌آورد که در آن، کاربران می‌توانند نوعی از جمع‌بودگی را تجربه کنند؛ نوعی جماعت مجازی که جایگزین جماعت‌های سنتی شدند که در فضا - زمانی معین و به‌صورت چهره‌به‌چهره به تعامل می‌پرداختند. پیش از ورود رسانه‌های جدید، مکان‌هایی نظیر مساجد، قهوه‌خانه‌ها، بازارهای سنتی، کافه‌ها و غیره به‌مثابه فضاهای عمومی بودند که در آنها افراد درباره مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختلف به بحث می‌پرداختند. مطابق آمار سایت الکسا^۱، فیسبوک یکی از ده سایت برتر مورد استفاده ایرانیان در فضای وب است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). همچنین به نقل از «ممتاز نیوز»^۲ در آذرماه سال ۱۳۹۴؛ بالغ بر ۸۵ درصد کاربران ایرانی در اینترنت عضو شبکه‌های اجتماعی هستند که از این میان و طبق گفته «تابناک» و «خبر آنلاین»^۳ در ۲۸ فروردین ۱۳۹۵؛ بیش از ۴۵ میلیون کاربر ایرانی در پیام‌رسان تلگرام داریم.

1 www.alexa.com

2 <https://www.momtaaznews.com>

3 <https://www.tabnak.ir/fa/news/581354>

شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل داشتن قابلیت‌ها و خصوصیات فراوانی همچون؛ «قابلیت دسترسی دائم»، «فرامگانی»، «فرازمانی»، «جهانی‌بودن»، «سیال‌بودن»، «تشدید شدن واقعیت»، «چندرسانه‌ای بودن» و غیره، فضای مناسبی را برای بیان آراء و عقاید در اختیار کاربران قرار می‌دهند. امکان گذاشتن اظهارنظر^۱ توسط کاربران، اهمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی را دوچندان می‌کند که این امر، پژوهشگران را به این پرسش درباره میزان و چگونگی این تغییرات و تأثیر کنونی و آتی فضای مجازی بر جامعه واداشته است.

این تحقیق نیز در پی پاسخ به این سؤال است که آیا پیام‌رسان تلگرام را می‌توان بر اساس مدلی برگرفته از ایده حوزه عمومی در نظریات هابرماس تحلیل و تبیین کرد؟ آیا فضای مجازی بسترهای لازم برای حوزه عمومی را مهیا می‌سازد یا خود مانعی در راه تحقق حوزه عمومی است؟

قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی

وقتی انسان در مورد عموم می‌اندیشد، مبادلات آزادانه ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی را در ذهن تصور می‌کند. توکویل^۲ معتقد است که مشارکت در امور عمومی، به نحو قابل توجهی به حس موجودیت فردی و عزت نفس کمک می‌کند. جست‌وجو و ارتباط، اساس جامعه دموکراتیک را تشکیل می‌دهد و شایستگی تعمق و تفکرات گروهی را نسبت به تصمیمات یک مرجع منحصربه‌فرد برجسته می‌سازد. واژه عموم بر ایده‌های شهروندی، اشتراک نظر و چیزهای غیر شخصی دلالت می‌کند. رسانه‌های الکترونیکی تعاملی نوین مانند شبکه جهانی اینترنت و به تبع آن پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مانند پست الکترونیک، بولتن‌های الکترونیکی و دیگر انواع واقیعت مجازی، نوع جدیدی از فضای اجتماعی را با خود به ارمغان آورده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۹)؛ شبکه‌های اجتماعی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان تعامل و ارتباط را در قالب اجتماعی به‌صورت شبکه‌ای برای کاربران شان فراهم آورنده‌اند که می‌توانند از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی پروفایل‌ها و صفحات شخصی برای خودشان بسازند و با دوستانشان در ارتباط باشند (خانگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸). این ابرفضا که از غیرفیزیکی‌ترین فضاها نیز هست، می‌تواند برای حوزه عمومی آثار و فواید فراوانی دربر داشته باشد و بدون شک، اهمیت آن روزبه‌روز افزایش بیشتری می‌یابد. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که به همه مشارکت‌کنندگان و کاربران، برای استفاده مشترک از اطلاعات، فرصت برابر اعطا می‌کند، از این لحاظ و بدون اعمال

1 Comment

2 Tocqueville

محدودیت از سوی سایر رسانه‌های جمعی و به‌مثابه یک واسط جمعی عمل می‌کند. تلوزیون و روزنامه‌ها، به‌طور خاص، به زیرساخت‌های عظیم و گران‌قیمت نیاز دارند و در نتیجه، باید دید چه کسانی استطاعت مالی برای مالکیت و کنترل آنها را دارند.

پیدایش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌معنای این است که هرکس می‌توند با حداقل تلاش و دشواری، به اینترنت وصل شود و دیدگاه‌هایش را برای فردی بخصوص یا همگان منتشر سازد. از این لحاظ، اینترنت وسیله‌ای پایدار جهت تقویت گفت‌وگوی عمومی در مورد طیف وسیعی از مسائل مربوط به خیر مشترک است، همچنین اینترنت به شهروندان این امکان را می‌دهد تا با دسترسی خود به سایر نقاط جهان، یک بحث و گفت‌وگوی منطقی را عرضه کنند و به نقد منطقی بپردازند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

برای اولین بار در سال ۱۹۹۷، اصطلاح جامعه‌ی شبکه‌ای توسط مانوئل کاستلز^۱ وارد ادبیات دانشگاهی شد. طبق فرضیه کاستلز، جامعه شبکه‌ای؛ یعنی ساختار اجتماعی غالب و مسلط در عصر اطلاعات که حول شکل‌های نوین زمان و مکان سازمان می‌یابد؛ زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها و گردش اطلاعات. منظور کاستلز از زمان بی‌زمان، استفاده و به کار گرفتن بی‌وقفه و مداوم فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین برای از میان برداشتن زمان، فشردن سال‌ها و تبدیل آنها به دقیقه‌ها و فشردن دقیقه‌ها در غالب لحظه‌هاست. مکان‌ها کماکان کانون زندگی روزمره، نظارت سیاسی و اجتماعی، منشاء فرهنگ و عامل انتقال تاریخ هستند. اما این جریان‌ها هستند که مکان‌ها را در بر گرفته‌اند و بر آنها مسلط شده‌اند. به نظر کاستلز، قدرت سیاسی از دولت‌مملتها و نظام‌های دموکراتیک به رسانه‌ها و سایر تولیدات فرهنگی انتقال یافته است. کاستلز معتقد است جامعه کنونی ما پیرامون جریان‌ها تشکیل شده است. جریان‌های سرمایه، جریان‌های اطلاعات، جریان‌های تکنولوژی، جریان‌های ارتباطات متقابل سازمانی، جریان‌های تصاویر، صداها و نمادها. جریان‌ها به‌معنای سلسله مبادلات و تعاملات هدفمند، تکراری و برنامه‌پذیر میان جایگاه‌های نقش‌آفرینان اجتماعی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نمادین جامعه است که با یکدیگر از نظر فیزیکی ارتباط ندارند. به عقیده وی تعامل میان این فرایندها، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط؛ یعنی جامعه شبکه‌ای، یک

1 Manuel Castells

اقتصاد نوین؛ یعنی اقتصاد اطلاعاتی-جهانی و یک فرهنگ نوین؛ یعنی فرهنگ مجاز واقعی را به عرصه وجود آورده است.

منطق نهفته در این اقتصاد، جامعه و فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سراسر جهانی به هم پیوسته خواهد بود. در جامعه شبکه‌ای پیش رو، افراد و جوامع در درون قالب‌های تازه، هویت‌های تازه‌ای می‌گیرند و در این میان، تعاریف تازه‌ای از انسان عرضه می‌شود و در عین حال، خود این شب که تحت تأثیر قوای محرکه داخلی دستخوش تغییرات دائمی و در نتیجه، ایجاد الگوهای جدید زیست و حیات در نقاط مختلف می‌شود (عسگرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲). جامعه شبکه‌ای را می‌توان شکلی از جامعه تعریف کرد که به‌گونه‌ای فزاینده روابط خود را در شبکه‌های رسانه‌ای سامان می‌دهد؛ شبکه‌هایی که به تدریج جایگزین شبکه‌های اجتماعی ارتباطات رودررو می‌شوند یا آنها را تکمیل می‌کنند. این بدان معنی است که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای در حال شکل دادن به شیوه سازمان‌دهی اصلی و ساختارهای بسیار مهم جامعه مدرن هستند. این شبکه‌ها تمام واحدها و قسمت‌ها (افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها) را به‌طور روزافزونی به هم متصل می‌کند. از آنجا که شبکه‌ها می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند، ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هستند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز دارای ساختار متفاوتی هستند، که موجب شده جامعه جدیدی را به‌وجود آورند. جامعه‌ای که در آن تعامل و ارتباط بعد مکان و زمان را از بین برده است. اجتماع مجازی که در این شبکه‌ها تشکیل شده افراد را با علایق و سلیق کنار یکدیگر قرار می‌دهند. گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث به‌وجود آمدن فضای شبه واقعی شده؛ ویژگی‌های خاص این جوامع چون اقتصاد مجازی، سیاست بر بال رسانه، واقعیت مجازی و...، که فرصتی جدید برای افراد و سازمان‌ها هستند.

همان‌طور که اشاره شد، جامعه شبکه‌ای دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد؛ ویژگی‌هایی که باعث شده فضای مجازی به دنیایی دیگر تبدیل شود، دنیایی که حرف اول آن را اطلاعات می‌زند، اطلاعاتی که تا چندی قبل در کنج کتابخانه‌ها بود و کمتر کسی به سراغ آن می‌رفت؛ اما اکنون این فضا، این امکان را به‌وجود آورده که این اطلاعات مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند (قصابی و نقیب‌السادات، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۳).

هابرماس و حوزه عمومی

مفهوم حوزه عمومی از مفاهیم کلیدی نظریه یورگن هابرماس^۱ است. از نظر وی حوزه عمومی، ارتباط تحریف نشده و بدون اجبار است. کنش سیاسی توسط حوزه عمومی اداره می شود و حکومت های مشروع، حکومت هایی هستند که به حوزه عمومی اهمیت می دهند (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸). هابرماس معتقد است که تفکیک بنیادین دولت و جامعه که زمینه اصلی شکل گیری حوزه عمومی است، قبل از هر چیز به معنای جدایی عناصر بازتولید اجتماعی از قدرت سیاسی است. فرایند ایجاد کارویژه های دولت توسط نیروهای جامعه (اصناف خصوصی) دقیقاً مرتبط بود با گسترش قدرت دولت و نفوذ آن در قلمرو خصوصی جامعه. بنابراین این دیالکتیک پیش رونده «دولتی شدن جامعه» و «نفوذ جامعه درون دولت» درست همان عاملی بود که زمینه اصلی شکل گیری حوزه عمومی بورژوازی؛ یعنی تفکیک دولت و جامعه را از بنیان خراب کرد (هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۲۷).

زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه ای آزاد و بدون قید و بند، یعنی با تضمین و چاپ و نشر افکار عمومی، با یکدیگر مشورت و کنکاش می کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی عمل می کنند. تعبیر افکار عمومی به رسالت انتقادی و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می کند. هابرماس بعدها نظریه خود را بسط داد و اظهار نمود که منظور ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمرویی از حیات اجتماعی است که در آن چیزی نظیر افکار عمومی بتواند شکل بگیرد. تمام شهروندان باید از امکان دسترسی به حوزه عمومی برخوردار باشند. به باور وی افراد در حوزه عمومی از طریق مفاهیم و استدلال و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی یا بیرونی، بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده در حوزه عمومی مذکور مجموعه ای از رفتارها، مواضع، جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کنند که در نهایت به صورت ابزاری مؤثر برای تأثیر گذاردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می کند (دشتگلی، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۳).

در حوزه عمومی شهروندان و یا افرادی که در کنار هم جمع شده اند نه در مقام افراد اقتصادی یا حرفه ای که تنها به فکر منافع خود هستند و نه به مثابه مجامع حقوقی ای که مطیع قواعد حقوقی دولتی هستند؛ بلکه شهروندان و افراد خصوصی زمانی به نفع عموم عمل می کنند که بدون

1 Jürgen Habermas

اجبار و اضطراب بتوانند به مسائل مورد علاقه مردم یا منافع و مصالح عمومی بپردازند و این امر، زمانی امکان‌پذیر است که تضمین‌های لازم برای گرد هم آمدن و اجتماع آنها فراهم باشد و آزادانه بتوانند به یکدیگر ببینند و آزادانه افکار خود را بیان و تبلیغ کنند». بنابراین مهم‌ترین ویژگی حوزه عمومی این است که اشخاص خصوصی گرد هم جمع می‌شوند و در خصوص علائق عمومی (و نه خصوصی) به بحث می‌پردازند (والی و محمدی، ۱۳۹۵: ۳۹).

از نظر وی حوزه عمومی سخنگاهی است برای گفتگو کردن و تبادل ایده‌ها به‌منظور شکل دادن به نوعی اجماع عقیده عقلانی که در آن همه ادعاها از طریق گفت‌وگو عقلانی مورد نقد و قبول یا رد قرار بگیرند. موضوع مطالعه او فردی است دارای عقل انتقادی که می‌تواند به کمک این عقل از کنترل نیروهای غیر عقلانی بیرونی رهایی یابد و از حقوق خود در زمینه آزادی بیان، آزادی نشر و آزادی تجمع استفاده کند. این‌گونه افراد هستند که حوزه عمومی را به‌معنای واقعی آن تشکیل می‌دهند. از این طریق حوزه عمومی به عرصه برقراری روابط گفتگویی و تبادل نظر درباره علایق عمومی ارتقا می‌یابد. در حوزه عمومی جریان‌های ارتباطی شکل می‌گیرد و نظر افراد غربال و ترکیب می‌شود؛ به روشی که نهایتاً منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای مشترک برآمده از همایش‌های شهروندان به نام افکار عمومی می‌گردد (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹).

هابرماس معتقد است که «سیاست حزبی و دستکاری رسانه‌های جمعی به وضعیتی می‌انجامد که وی از آن به‌عنوان فئودالیزه شدن دوباره حوزه عمومی یاد می‌کند وضعیتی که در آن نظام نمایندگی بر مباحثه عقلانی می‌چربند. بنابراین حوزه عمومی بورژوازی با به هم خوردن مناسبات میان دولت و جامعه رو به زوال نهاده و بر این اساس، مفهوم منافع همگانی عینی جای خود را به مصالحه میان منافع داده و کارویژه حوزه عمومی از مباحثه انتقادی عقلانی به مذاکره تغییر یافت. پس حوزه عمومی در واقع خود زبان است و این زبان، زمینه اساسی برای دستیابی به رهایی، آزادی و دمکراسی را در یک کنش ارتباطی فراهم می‌سازد (والی و محمدی، ۱۳۹۵: ۳۹-۴۳).

هابرماس جامعه اطلاعاتی و جهانی‌شدن رسانه‌ای را در قالب حوزه عمومی و همگانی مورد بحث و بررسی قرار داده است. به اعتقاد وی فضای مجازی، فضا و محیطی اجتماعی را در سطح دنیای واقعی ایجاد کرده‌است؛ فضایی که در قالب آن تعاملات کلامی و مباحث بین‌فردی جریان پیدا می‌کند (فرزانه و فلاحتی‌شهاب‌الدینی، ۱۳۹۴: ۴).

نگرش منفی و نگرش مثبت

نگرش منفی: عده‌ای از محققان توانایی و قابلیت ادعایی این شبکه‌های نوین ارتباطی را به چالش می‌کشند. مارک پاستر^۱ (۱۹۹۵) می‌نویسد: این ادعا که امروزه گروه‌های خبری اینترنتی و سایر شبکه‌ها به‌عنوان حوزه‌های عمومی نوپا، احیاگر دموکراسی در قرن بیست یکم خواهند بود، نادرست است. حوزه عمومی به مکانی گفته می‌شود که مردم به‌عنوان انسان‌های برابر می‌توانستند گفت‌وگو کنند و تفاوت‌هایی که در زمینه مقام و منزلت اجتماعی وجود داشت، مانع از شکل‌گیری بحث‌های صادقانه نمی‌شد. در گفت و گوی اینترنتی به‌ندرت بحث منطقی صورت می‌گیرد و دسترسی به اجماع یا توافق عملاً غیرممکن به‌نظر می‌رسد. اینها از جمله علائم و نشانه‌هایی است که هویت در حوزه عمومی و در اینترنت را به شیوه‌های متفاوتی تعریف می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

اینترنت اگر چه از مزیت‌هایی برخوردار است، اما وجود یک نوع حوزه عمومی را که هم نافع باشد، هم جنبه نمایندگی داشته باشد و در عین حال، متوازن و برابر باشد، تضمین نمی‌کند. اینترنت بدون تعهد واقعی به «بیان آنلاین» صرفاً توهم گشودگی را عرضه می‌کند. همچنین بریزلو^۲ استدلال می‌کند که گمنامی و فقدان مکانیت و فشرده‌گی و تراکم اینترنت، برای همبستگی اجتماعی مخرب است. او چنین نتیجه می‌گیرد که فقدان مسئولیت و تعهد یکپارچه و منسجم، پتانسیل واقعی اینترنت به‌عنوان یک حوزه عمومی را خنثی می‌سازد (ریببی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۴).

آفونسو^۳ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که استفاده از فضای مجازی، به مرور منجر به فاصله‌گیری افراد از دنیای واقعی و تعاملات دنیای بیرونی می‌شود و بدین شکل، زمینه شکل‌گیری انواع مختلفی از رفتارهای نابهنجار که سبب اختلال در سلامت روانی وی می‌شوند، فراهم می‌شود (همان: ۵۰). همچنین به باور پاستر^۴، اینترنت، دولت را به خاطر مکالمات غیرقابل نظارت تهدید می‌کند، مالکیت خصوصی را از طریق تکثیر یا بازتولید نامحدود اطلاعات بی‌اثر می‌سازد و اخلاقیات را از طریق اشاعه پورنوگرافی تضعیف می‌کند، فناوری اینترنت را نباید به‌عنوان شکل تازه‌ای از حوزه عمومی تصور کرد. سالتر^۵ در رابطه با نقش اینترنت برای احیای حوزه عمومی بر این باور است که حوزه عمومی بورژوازی در پی شکل دادن به یک اراده عام بود، در حالی که به

- 1 Mark Poster
- 2 Brizloo
- 3 Afonso
- 4 Paster
- 5 Salter

نظر می‌رسد اینترنت اندیشهٔ جهانشمولی و یا منافع مشترک را از هم می‌گسلد و یا دست‌کم آن را زیر سؤال می‌برد؛ اما دقیقاً راه را برای مفهوم متضاد آن یعنی تکثرگرایی هموار می‌کند. یکی دیگر از امکانات اینترنت که از توان آن برای تولد حوزهٔ عمومی نام می‌برند؛ اجتماعات مجازی است. اما این اجتماعات به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون زودگذر بودن، مبتنی بودن بر عدم تعهد و مسئولیت و فراهم کردن زمینه برای نابودی روابط جمعی واقعی، فاقد توان لازم برای احیای حوزهٔ عمومی هستند (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹-۹۸).

نگرش مثبت: در مقابل عده‌ای دیگر بر این عقده‌اند که با توجه به این پیش فرض که افکار عمومی در میدان و گفت‌وگوی آزاد شکل می‌گیرد، بر این اساس همه اثربخشی آن عمیقاً به کیفیت، قابلیت دسترسی و رسانش اطلاعات بستگی دارد. اطلاعات کافی، معتبر و صریح، گفت‌و شنود رسا را امکان پذیر می‌سازد، در حالی که اطلاعات فقیر و اندکی تحریف‌شده به صورتی اجتناب ناپذیر به تصمیم‌های اجتناب‌ناپذیر، تعصب‌آمیز و مباحث ناشایست می‌انجامد. اینترنت، اجتماعی الکترونیک است که از شبکه وسیعی از شهروندان آزاد و برابر در سطح جهان تشکیل شده است. این شهروندان قادرند درباره همه جنبه‌های زندگی بحث کنند، بی‌آنکه نسبت به کنترل و نظارت‌های دولتی و حکومتی هراس داشته باشند یا دست‌کم هراس آن از دنیای واقعی به مراتب کمتر است.

همچنین باید به این مسئله توجه داشت که مبادلات اینترنتی، غیر اقتصادی است، ولی رسانه‌های جمعی به‌طور فزاینده‌ای تجاری هستند. در شبکه‌های اجتماعی هر کسی می‌تواند مطلبی را انتشار دهد، در حالی که نشر از طریق دیگر رسانه‌های جمعی در کنترل مالکین آنها است. طیف وسیعی از تفکرات عموم در اینترنت یافت می‌شود، اما بحث و گفت‌وگو در رسانه‌های جمعی محدود و به‌طور حساب‌شده‌ای انعکاس جهان‌بینی مالکین آنها است (ربیعی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). شبکه‌های مجازی همواره در حال گسترش است و جنبه‌های مثبت آن روزبه‌روز منجر به افزایش تعداد کاربران آن در سطح جهانی می‌شود و بدین‌شکل، افراد در قالب آن و از طریق برقراری نوعی ارتباط بین فردی توأم با صمیمیت و همدلی به شناسایی نیازها و علایق خویشتن می‌پردازند و با شناسایی و ارضای آن، اصالت خویشتن را تحقق می‌بخشند (محسنی‌تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵). در قالب فضای مجازی افراد ضمن اینکه می‌توانند نیازها و خواسته‌های درونی خویش را شناسایی کنند، نسبت به دنیای واقعی بهتر می‌توانند طیف گسترده‌ای از این نیازهای خویش را ارضا کنند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

فناوری‌های نوین ارتباطی (به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی) می‌تواند حوزه عمومی را مجدداً در تاریخ احیا کند و به شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی منجر شود. اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را گفت‌وگو، افکار عمومی و کنش بدانیم، اینترنت بستری مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از اینهاست. شهروندان می‌توانند از طریق اینترنت به گفت‌وگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه بپردازند و از این طریق افکار عمومی، به‌عنوان صدای مردم شکل بگیرد و هر یک می‌توانند در مخالفت یا موافقت با یک مسئله و موضوع اجتماعی و سیاسی دست به کنش مناسب بزنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اینترنت این است که فرصتی را در اختیار خالقان فرآورده‌های فرهنگی قرار می‌دهد تا آثار خود را فارغ از دخالت دولت و بدون نیاز به سرمایه و استفاده از رسانه‌هایی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات، منتشر سازند. اینترنت به شهروندان این امکان را می‌دهد تا با دسترسی خود به سایر نقاط جهان، یک بحث و گفتگوی منطقی را عرضه کنند و به نقد منطقی بپردازند.

تورنتون^۱ (۲۰۰۳) جنبه‌های امیدوارکننده اینترنت به‌عنوان احیاءکننده حوزه عمومی را چنین برمی‌شمارد:

- ۱- توانایی گروه‌های ذینفع کوچک برای یافتن یکدیگر و برقرار کردن ارتباط؛
- ۲- توانایی افراد و گروه‌های کوچک برای معرفی خود و ارائه نقطه نظرات شان به یکدیگر؛
- ۳- دسترسی آسان به دیدگاه‌ها و نقطه نظرات گوناگون؛
- ۴- بقا و ماندگاری مواد و اطلاعات در اینترنت؛
- ۵- تعاملی بودن که باعث شکل‌گیری ارتباط دو سویه بین فرستنده و دریافت کننده می‌شود (عدلی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷).

مطالعات پیشین

خانیکی و همکاران در پژوهش خود در سال ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدند که فیسبوک به‌رغم آنکه زمینه دسترسی شهروندان به اطلاعات مختلف و امکان گفت‌وگو بر سر موضوعات مختلف را فراهم آورده است، به دلایلی همچون، وجود توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف، خصلت سطحی بودن اطلاعات، ادامه‌دار نبودن مسائل مطرح شده، غلبه جلوه بر ایده، جنبه سرگرم کننده بودن مطالب، خصلت انتقادی نبودن مطالب؛ قابل تبدیل شدن به یک حوزه عمومی مجازی را ندارد.

قانع‌راد و جنادله در سال ۱۳۹۴ در پژوهش خود با عنوان رویکردهای متعارض درباره تکوین حوزه عمومی در فضای مجازی به این نتیجه رسیدند که با وجود برخی ظرفیت‌های فضای مجازی برای شکل‌گیری حوزه عمومی، همچنان چالش‌های مهمی از جمله شکاف دیجیتال، قطبی‌بودن و چندپاره‌ای در فضای مجازی، ناشناس بودن و در نهایت سست‌شدن پیوندهای اجتماعی واقعی وجود دارد.

سید علوی و نقیب‌السادات (۱۳۹۱) در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه کارشناسان، سه مفهوم مستقل حوزه عمومی (دسترسی، گفتگو و کنش عمومی) در فضای مجازی شکل گرفته و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق حوزه عمومی در فضای مجازی می‌باشند. کلی و اتلینگ^۱ در گسترده‌ترین پژوهش بر روی فضای مجازی ایران در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که وبلاگستان ایرانی یک شبکه گفتمانی گسترده است که هم به‌لحاظ موضوعات مورد بحث و هم از نظر طیف‌های مختلف وبلاگ‌نویسان از غنای خاصی برخوردار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به علت نوپایی پژوهش در حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی با استفاده از روش کیفی و بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. تحلیل محتوا از جمله فنون پرکاربرد تحقیق در علوم اجتماعی است. این فن، هدف خود را راهیابی به معنای نهانی متن می‌داند. تحلیل محتوا از آغاز قرن بیستم به‌عنوان یک فن گردآوری و ارزیابی داده در تحلیل ارتباطات اجتماعی و دستاوردهای آن به‌کار رفته است. امروز نیز در تحلیل پیام‌های ارتباطی نوشتاری، گفتاری و دیداری کاربرد و در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، روزنامه‌نگاری، ارتباطات، مدیریت، ادبیات و مانند آن پیشینه‌ای طولانی دارد و در چند دهه گذشته، پیوسته رشد یافته است (White & Marsh، ۲۰۰۶: ۲۳). این فن تحقیقی غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که با برجسته ساختن و بیان نظام‌مند نکاتی که به‌طور پراکنده در مجموعه‌ای از متن‌ها (یا دیگر مواد معنادار) درباره موضوع تحقیق و مقوله‌های آن مطرح شده، کار خود را تحلیل آنها، یافتن پیام‌هایشان و ویژگی‌های این پیام‌ها می‌داند؛ و می‌کوشد تا این تحلیل با عینیت، نظام‌مندی، عمومیت و درجات قابل قبولی از روایی و پایایی به انجام برسد و زمینه دستیابی به استنتاج‌های از آن متن‌ها و مواد

فراهم آید؛ فرآیند تحلیل محتوای کیفی اغلب از جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود و محقق، طی مراحل تحقیق بین توسعه مفاهیم و جمع‌آوری اطلاعات رفت و برگشت می‌کند. برای دستیابی به استنباط‌های معتبر و پایا، تحلیل محتوای کیفی مجموعه‌ای از رویه‌های نظام‌مند و شفافی را به کار می‌برد.

به‌طور کلی تحلیل محتوای کیفی به سه رویه کلی: تقلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها و نتیجه‌گیری مبتنی است. به عبارت دیگر این فرآیند شامل کدگذاری باز، ایجاد مقولات و انتزاع است، در نوشتار حاضر ابتدا مؤلفه‌های حوزه عمومی از نظر هابرماس استخراج شده است و سپس با استفاده از این مؤلفه‌ها به تحلیل صفحات و گروه‌های مورد بررسی در پیام‌رسان تلگرام پرداخته شده است. مؤلفه‌های مورد نظر شامل «آزادی بیان و فارغ از سلطه، ایجاد فضای گفتمانی (دسترسی عام و آزادانه تمام اقشار جامعه به پیام‌رسان تلگرام)، برابری در گفتگو، پذیرش انتقاد، مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی و تأثیر اراده عمومی بر دولت» بوده‌اند. لذا با توجه به موضوع و در نظر گرفتن مؤلفه‌های پژوهش و همچنین نوع گروه‌ها و صفحات، به روز بودن، جنبه انتقادی داشتن مباحث آن، دارا بودن تحصیلات بالا، تعداد اعضای هر گروه و بازدیدکنندگان صفحات، تعداد ۹ مورد از گروه‌های فعال در پیام‌رسان تلگرام که به‌صورت هدفمند انتخاب شده و در راستای اهداف پژوهش حاضر؛ پست‌ها و نظرات هر یک از این گروه‌ها به مدت یک هفته با روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل واقع گرفته‌اند، قابل ذکر است که این گروه‌ها از تاریخ ۹۶/۷/۱۷ تا ۹۶/۷/۲۴ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (گروه «بوی باران و دمیر» دلیل عدم وجود بحث، به مدت یک ماه از تاریخ ۹۶/۶/۲۵ تا ۹۶/۷/۲۴ مورد مطالعه قرار گرفته است). اسامی گروه‌ها عبارتند از:

جدول شماره ۱: ویژگی‌های نمونه پژوهش

ردیف	نام گروه تلگرامی	تعداد عضو و حوزه فعالیت
۱	پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی	۳۳۰ عضو متشکل از دانشجویان دانشگاهی و حوزویان و با طیف فکری متفاوت.
۲	دوستان پژوهشگاه	مرکب از ۴۳ عضو با طیف‌های فکری مختلف که شامل هیئت علمی و کارشناس در یکی از نهادهای پژوهشی کشور
۳	مهارت پژوهش اجتماعی	۸۱۳ عضو و با مرام نامه اشتراک مهارت‌های پژوهش اجتماعی، که همه کاربران آن دارای مدرک عالی و با طیف‌های فکری متفاوت هستند
۴	بوی باران	۳۱ عضو و با طیف فکری اصلاحات که قریب به ۹۵ درصد آنها مدرک

ردیف	نام گروه تلگرامی	تعداد عضو و حوزه فعالیت
		بالای لیسانس دارند.
۵	انجمن مطالعات و برنامه‌ریزی درسی	۱۳۵۰ کاربر که دارای مدرک لیسانس و بالاتر و با طیف فکری میانه رو
۶	گروه معماری و شهرسازی	۷۳۶۳ عضو متشکل از دانشجویان و فارغ التحصیلان در زمینه شهرسازی
۷	گروه دمیر	۵۰ عضو و دارای مدرک لیسانس و بالاتر و با طیف فکری اصلاحاتی و انتقادی.
۸	گروه من انقلابیم	۸۷۰ عضو که همه اعضای آن دارای گرایش‌های اصول‌گرایی و با مدرک تحصیلی متفاوت (دیپلم و بالاتر)
۹	Group	۳۵ عضو متشکل از یک گروه فامیلی

یافته‌های پژوهش

محورهای مورد مطالعه

آزادی بیان: (هر خط فاصله (-) به معنای مطلب یک کاربر است).

عدم وجود آزادی بیان	وجود آزادی بیان
<p>گروه "من انقلابی‌ام"</p> <p>این گروه برای انقلابیون و طرفداران ولایت می‌باشد.</p> <p>گروه "مطالعات و برنامه‌ریزی درسی"</p> <p>به بچه‌ها یاد میدن که بگید ایران خیلی خوبه، ما در ایران امکانات زیادی داریم</p> <p>گروه "پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی"</p> <p>دوستان عزیز این گروه صرفاً مسیری برای به اشتراک گذاشتن پژوهش‌های در دست انجام شما و معرفی منابع و گفتگو در مورد موضوعات پژوهشی نه چیز دیگر.</p> <p>گروه "بوی باران"</p> <p>آنچه در اینجا به آن، هیچ‌گونه توجهی نمی‌شود این است که این مملکت، مملکت علوم انسانی است. علوم انسانی این دانشگاه و به خصوص، فلسفه‌اش در آستانه انهدام است.</p>	<p>گروه "من انقلابی‌ام"</p> <p>- کاربری نوشت: سخنان رئیس‌جمهور مغالطه‌آمیز است.</p> <p>- کاربر دیگر: لجاجت تعجب‌برانگیز این دولت در حفظ برج‌ام</p> <p>- دیگر: فراق‌کنی رئیس‌جمهور</p> <p>گروه "دوستان پژوهشگاه"</p> <p>- بودجه امسال آموزش و پرورش ژاپن ۱۶۵ میلیارد یورو است و در ایران ۶،۵ میلیارد یورو است.</p> <p>- دولت سالانه ۵۴ میلیون تومان برای یک زندانی و دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای یک دانش‌آموز صرف می‌کند.</p> <p>گروه "مهارت پژوهش اجتماعی"</p> <p>- نظام آموزشی ما مشکلات زیادی دارد.</p> <p>گروه "Group"</p> <p>- طرفداری از یک دین جز اینکه شکم حاکمان دینی را بزرگتر کند، نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.</p> <p>- هیچ دینی تو را به سعادت نخواهد رساند.</p> <p>گروه "دمیر"</p> <p>- ساختار معیوبه... و من و شما توان تغییر جدی نداریم</p> <p>گروه "بوی باران"</p> <p>- مسئولین باید پاسخگو باشن که... سرشون به چپاول گرم</p>

در مورد نتایج و فواید حق آزادی بیان در چارچوب نظام حقوق بشر، اظهار نظرهای فراوانی شده است، اما شاید بتوان این سخن را جامع تمام آنها دانست: اجرای حق آزادی بیان پیش نیاز ضروری برای پیشرفت دموکراسی و تحقق دیگر مصادیق حقوق بشر است. حقوق بشر جز با یک اقدام عمومی ترویج نخواهد شد. مردم باید از ارزش این حقوق آگاه شوند. فقط از طریق بحث آزاد و عمومی می‌توان این حقوق را محقق کرد. در بررسی‌های نظرات اعضای گروه به این نتیجه رسیدیم که گروه‌های تلگرامی به دو بخش (بجز گروه‌هایی که صرفاً به منظور ارسال جوک یا تبلیغات و یا کارهای پژوهشی ایجاد می‌شود) تقسیم می‌شوند. ۱- گروه‌هایی که اعضای آن انتقادهای تندی نسبت به حکومت و دین و مسائل سیاسی وارد می‌کنند، ۲- گروه‌هایی که رویه محافظه‌کارانه‌ای دارند. به همین جهت بیشتر اعضای گروه‌ها سعی می‌کنند عضو گروهی شوند که هم‌راستا با نظرات خودشان باشند. مثلاً گروه «من انقلابی‌ام» صرفاً دولت را محور انتقادات خود قرار داده بود و هیچ‌کس حق اظهار نظر در مورد حکومت را نداشت، همچنین خودنمایشگری کاربران، در این گروه پدیده دیگری بود که تمام اعضا سعی داشتن خود را اصول‌گرا و تابع ولایت فقیه و با استفاده از جملاتی مثل «پاره کردن تفاهم‌نامه برجام» خود را در تضاد با دولت آقای روحانی نشان دهند. در برخی گروه‌ها مثل گروه «مهارت پژوهش اجتماعی»، وقتی مطالب سیاسی مطرح می‌شد، عکس‌العمل مدیران گروه بیشتر به این صورت بود؛ «دوستان عزیز این گروه صرفاً مسیری برای پژوهش‌های در دست انجام شما و معرفی منابع و گفتگو در مورد موضوعات پژوهشی است، نه چیز دیگر» و این در نگاه نخست نشان از فضایی تخصصی برای بحث و گفتگو است و در نگاه دوم می‌توان گفت همچنان بحث سیاسی و نقد دولت و حاکمیت با محدودیت روبه‌روست. اما در موارد زیادی و در بیشتر گروه‌ها کاربران به صراحت انتقادهایی نسبت به دولت و سیاست‌های آنها داشتند. به‌عنوان مثال اعضای گروه‌ها با جملاتی مثل «فرافکنی رئیس‌جمهور، ساختار معیوب، مشکلات نظام آموزشی، هیچ دینی تو را به سعادت نخواهد رساند و...» نظر خود را بیان می‌کردند. به‌طور کلی می‌توان گفت که آزادی بیان در شبکه‌های اجتماعی و مشخصاً در پیام‌رسان تلگرام به‌صورت محسوسی از دنیای واقعی ملموس‌تر است و کاربران صراحت و جسارت بیشتری در بیان نظرات خود دارند.

تأثیر اراده عمومی بر دولت

عدم وجود تأثیر اراده عمومی بر دولت	وجود تأثیر اراده عمومی بر دولت
<p>گروه "دمیر" - ساختار معیوبه... و فعلاً من و شما توان تغییر جدی نداریم گروه "من انقلابی‌ام" - مسکنی که هیچ وقت رنگ واقعیت به خود نگرفت. گروه "بوی باران" - حجاب اجباری زنان - پیشرفت عربستان و عقب‌ماندگی ایران گروه "دمیر" - برگزاری همایش احیای فرهنگ چند همسری در تهران که یکی از سخنرانان می‌گوید خودش سه همسر و سخنران دیگر دو همسر دارند و پیش از توصیه به دیگران، خودشان عمل کرده‌اند.</p>	<p>گروه "Group" - شرکت مخابرات در ازای هر پیامکی که در خصوص در دسترس نبودن بشما می‌دهد، (مشترک مورد نظردردسترس نمی‌باشد، تماس شما از طریق پیامک به ایشان اعلام خواهد شد، مبلغ ۵۰۰ تومان بحساب شما منظور می‌کند. جهت غیر فعال نمودن این سیستم، عدد ۵ را به ۹۹۱۴ ارسال نمایید. این پیام را به گروه‌های دیگر بفرستید تا همه از این دزدی آشکار آگاه گردند.</p>

تأثیر اراده عمومی بر دولت

از یک‌سو دولت‌ها در سرتاسر جهان همواره سعی کرده‌اند، با کنترل جریان آزاد اطلاعات، آزادی را در محدوده خاصی تعریف کنند، اما در مقابل شهروندان نیز به میزان‌های مختلف سعی کرده‌اند شبکه‌های آزاد و غیررسمی اطلاعات را بین خودشان ایجاد کنند. به‌دلیل گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی و سرعت انتقال خیر به افراد، گاهی افکار عمومی آنچنان قدرتمند ظاهر می‌شود و در مقابل یک رویدادی واکنش نشان می‌دهد که دولت یا به‌عبارتی نظام سیاسی، چاره‌ای جز عقب‌نشینی یا بررسی آن مورد نمی‌بیند.

در طول بازه زمانی که این گروه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، مطالب قابل تأملی در مورد تأثیر اراده عمومی بر دولت به میان آورده نشد؛ به‌جز چند مورد جزئی مثل مراقب پیامک‌های مخابرات باشید، اما در زمان‌های دیگر این تأثیر دیده می‌شد. به‌طور مثال در جریان حمله یکی از مأموران شهرداری فومن به خانوم دست فروش، فشار کاربران باعث شد تا این مأمور اخراج شود. اما عدم وجود تأثیر اراده عمومی بر دولت، به‌مراتب بیشتر از وجود آن بود. در موارد خیلی زیادی نظام حاکم بر طبق رویه ایدئولوژیک خود رفتار کرده و خواسته بخش زیادی از مردم را نادیده می‌گیرد. به‌عنوان مثال یکی از کابران در گروه "دمیر" در انتقاد به ساختارهای سیاسی نوشت «ساختار معیوبه و فعلاً من و شما توان تغییر جدی نداریم» و یا کاربر دیگر در گروه "بوی باران" نوشت؛ «آنچه در اینجا به آن، هیچ‌گونه توجهی نمی‌شود؛ این است که این مملکت، مملکت علوم انسانی است» یا کاربر دیگر به حجاب اجباری و اقدامات عربستان سعودی مبنی بر ورود زنان به ورزشگاه و امکان خوانندگی



ایران اشاره کرده و ایران را در رده پایین‌تری از عربستان قرار داد. در نتیجه تأثیر اراده عمومی بر دولت بسیار ضعیف می‌باشد و حکومت در مقابل خواسته مردم مقاومت می‌کند.

دسترسی عام و آزادانه تمام اقشار جامعه (به شبکه‌های اجتماعی (پیام رسان تلگرام))

عدم داشتن دسترسی	داشتن دسترسی	
	<p>گروه "مهارت پژوهش اجتماعی"</p> <p>- دوست عزیز ما برای دل خودمان و آموزش خودمان و یادگیری خودمان داریم بحث می‌کنیم. شما هم تمایل داشتید می‌توانید استفاده کنید.</p> <p>"بوی باران"</p> <p>-دوستان مشارکت کنید.</p> <p>-درخت نباشید (صحبت کنید).</p> <p>در گروه "معماری و شهرسازی"</p> <p>-همکاری و مشارکت</p>	<p>دسترسی عام و آزادانه تمام اقشار جامعه (به شبکه‌های گروهی)</p>

شاید ابزارها و امکانات لازم برای راهیابی به پیام‌رسان تلگرام، به‌صورتی نابرابر توزیع شده و شرایط عضویت در برخی گروه‌ها منوط به داشتن برخی شرایط است، اما افراد فراوانی در سرتاسر جهان، از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان دیدگاه و گفتمان خود در مورد مسائل مختلف استفاده می‌کنند. این شبکه‌ها می‌توانند نوعی فعالیت مدنی را برای شهروندان به‌وجود بیاورند. شهروندان سعی می‌کنند خود را به این شبکه‌های مجازی متصل سازند و از آن به‌عنوان محملی برای اظهار نظر در مورد عرصه‌های گوناگون زندگی استفاده نمایند؛ حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد، مکانی قابل دسترس برای همه شهروندان که امکان بیان و مجادله تجربیات اجتماعی و دیده‌ها در آن وجود داشته باشد. تلگرام این امکان را به افراد می‌دهد تا عقایدشان را با دیگران در میان بگذارند و نقش‌های فعال‌تری در مشارک اجتماعی و سیاسی عهده‌دار شوند. به بیان دیگر، شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای را به‌وجود آورده‌اند که فضای مناسبی برای ابراز هویت گروه‌های محروم اجتماعی فراهم کرده است. این عرصه عمومی نوین، از جهت توجه به گروه‌هایی که به دلایل مختلف، از جمله بُعد مکانی و محرومیت‌های دیگر، نمی‌توانند در عرصه عمومی مشارکت داشته باشند، حائز اهمیت است.

پیام‌رسان تلگرام به‌دلیل فراهم نمودن فضا برای طرح هر گونه ایده و عقیده‌ای باعث بالا بردن دسترسی به اطلاعات می‌شود و می‌تواند به بهبود فضای گفت‌وگو یاری رساند. با گسترده شدن

استقبال عمومی از شبکه‌های اجتماعی و به‌طور مشخص تلگرام، این نرم‌افزار ارتباطی با بهره‌مندی از امتیاز همه‌جایی بودن یعنی قرار داشتن در دسترس همگان بودن و بدون محدودیت‌های مکانی و زمانی و نظارتی تبدیل به محبوب‌ترین و پرتعدادترین شبکه اجتماعی مجازی شده است. در نتیجه در تمام گروه‌های مورد مطالعه دسترسی برای همگان آزاد بود (هرچند برخی گروه‌ها تخصصی هستند، اما ورود اشخاص با تخصص غیرمرتبط هم مانعی برای عضویت نمی‌باشد) و می‌توان بیان کرد پیام‌رسان تلگرام فضای مناسبی را در اختیار افراد قرار می‌دهد تا بتوانند به تعامل و ارتباط با همدیگر بپردازند.

انتقادی بودن و پذیرش انتقاد

عدم پذیرش انتقاد	پذیرش انتقاد	انتقادی بودن و پذیرش انتقاد
<p>گروه «من انقلابی‌ام» حتی اگه آمریکا بیاد بمب بزنه از وسط به دو قسمت تقسیممون کنه، باز طرفدارای روحانی میگن اگه رئیسی بود به سه قسمت تقسیم میشدیم!</p> <p>- لقب پرچم‌دار فتنه به آقای تاج‌زاده.</p> <p>گروه «مهارت پژوهش اجتماعی»</p> <p>- سواد ورزشی ندارین</p> <p>- دوست عزیز اینجا شما در اشتباهید.</p> <p>گروه «دوستان پژوهشگاه»</p> <p>- اینکه انتظار دارد سخنش بدون استدلال پذیرفته شود، اما خود از برای قبول سخن دیگران طلب دلیل می‌کند. چرا؟</p> <p>گروه «بوی باران»</p> <p>- کاربر اول: بحث قومی هست، اونا افغانن و حق ندارن کنار ما باشن</p> <p>- کاربر دوم: کی گفت حق ندارن؟ برداشته‌های شخصی تون رو به مسئله نسبت ندین</p> <p>- نمی‌خواهیم کنار ما باشن، حق دارن، ولی توی کشورشون. حق دارن، ولی نه اینجا.</p> <p>- کاربر سوم: خب گناه دارن. چقدر شما نژادپرستی: کشور خودشون که جنگه</p> <p>اینجام درس نخونن؟</p> <p>- کاربر اول: اونا افغانن و حق ندارن کنار ما باشن. اصلاً حقی نداره کسی که قاجاچی اومده تازه یک فرصت شغلی رو هم با این وضع بیکاری جوونای خودمون اشغال کرده و با هزینه ملت ما رفته درس خونده که اینم خودش تزییع حقوق دیگرانه</p>	<p>در گروه «من انقلابی» چیزی با عنوان انتقادی غیر از عقاید خودشون (اصول‌گرایی) وجود نداشت.</p> <p>گروه «مهارت پژوهش اجتماعی»</p> <p>- وقتی شما کارتان را در مجازی اشتراک می‌گذارید باید ظرفیت نقد و پرسش را داشته باشید.</p> <p>گروه «بوی باران»</p> <p>- نمیدونستم خدایی. قبول می‌کنم.</p> <p>- دقیقاً و خیلی مسائل دیگه هم وجود داره</p> <p>- خیلی موافقم با حرفتون</p> <p>گروه «دمیر»</p> <p>- در مورد همین آقا هم گویا اسنادی در همکاری بر علیه مصدق پیدا شده.</p> <p>- من چیزی ندیدم... البته ممکنه</p>	

این مؤلفه از حوزه عمومی از دو رویکرد قابل بررسی است. اگر انتقادی بودن را صرفاً نقد دولت (قوه مجریه) و سیاست وی در نظر بگیریم؛ بیشتر گروه‌ها در پژوهش حاضر دارای خصلت انتقادی بوده و به‌گونه‌ای در حال نقد کردن سیاست‌های دولت هستند. بیش از ۹۰ درصد مطالب گروه «من انقلابی» در نقد دولت می‌باشد. به‌عنوان مثال همچنان که در مؤلفه آزادی بیان اشاره شد؛ انتقاد تند یکی از کاربران به سخنرانی آقای روحانی و شخص دیگری مبنی بر «فریفتن دولت ایران توسط آمریکا و...» یا در گروه «بوی باران» نسبت به سیاست دولت در مقابل افغان‌ها انتقاد زیادی شد «دولت بهشون نباید کار داد، خیلی اوضاع بدتر شده خیلی بدتر از افغان‌ها، سیستم مریضه، دو روز دیگه که هزار جور حق و حقوق خواستن و ایرانو کردن افغانستان ثانی مظلومیتشون آشکارتر میشه!» یا در گروه «دمیر» یکی از کاربران نوشت: «ساختار معیوبه» و در گروه «دوستان پژوهشگاه» گفته شد: «دولت سالانه ۵۴ میلیون تومان برای یک زندانی و دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای یک دانش‌آموز صرف می‌کند» و... نشان از انتقادی بودن این گروه‌ها دارد.

اما آنچه که قابل ذکر است و مدّ نظر این پژوهش می‌باشد، انتقادی بودن و پذیرش انتقاد در مورد تمام واقعیت‌های اجتماعی اعم از سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد دارد و نه صرفاً دولت در معنای اجرایی آن. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در گروه «من انقلابی‌ام» در طی یک هفته، هیچ مطلبی مبنی بر مخالفت با عقاید مسلط گروه ارائه نشد و با توجه به مطالب نوشته‌شده، در صورتی که شخصی با نظر آنها مخالف می‌بود، به شدت تحت فشار قرار می‌گرفت یا از گروه حذف می‌شد. در گروه «مهارت‌های پژوهشی» یکی از کاربران، در مقابل نقد کاربر دیگر نوشت: «سواد ورزشی ندارین» و در گروه «بوی باران» در مقابل موافقت یکی از کاربران مبنی بر مدرسه رفتن افغان‌ها در ایران، واکنش تندی نشان داد و نوشت: «اونا افغانن و حق ندارن کنار ما باشن».

در مجموع، نتیجه حاصل شده از این مؤلفه مبنی بر این است که اگر نگرش انتقادی نسبت به دولت را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری حوزه عمومی در نظر بگیریم، گروه‌های تلگرامی از این لحاظ توانسته است در شکل‌گیری حوزه عمومی نقش ایفا کند. اما مهم‌تر از آن، انتقادی بودن کاربران و پذیرش انتقاد از سوی طرفین می‌باشد که در گروه‌ها در کمترین حد خود دیده می‌شد و بنابراین خصلت انتقادی بودن و پذیرش انتقاد در معنای کلی خود، در بین کاربران ضعیف می‌باشد.

مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی

عدم مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی	مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی	
<p>در گروه «معماری و شهرسازی» همکاری و مشارکت</p>	<p>گروه «من انقلابی ام» -اگه کسی نماز روزه قضا داشت از پدر مادر یا هرکسی من کسی رو دارم. -اشتغال فارغ التحصیلان -تامین مسکن مردم و محرومان. -انتظار می‌رود روسای دانشگاه‌های گناباد توانمندسازی شغلی دانشجویان را اهداف قرار دهند. - دوست شدن برخی راننده‌های اسنپ با زنان جوان گروه «مهارت پژوهش اجتماعی» -معرفی کتاب توسعه گروه «دوستان پژوهشگاه» -نوشتن داستانی در مورد اهمیت مدرسه توسط یکی از کاربران - بزرگ‌ترین مشکل ما در برقراری ارتباط با افراد، این است که ما گوش نمی‌کنیم که بفهمیم و درک کنیم، بلکه گوش می‌کنیم که پاسخ دهیم. - جشن مهرگان -روز جهانی کودک مبارک - معاون حمل و نقل شهرداری رشت که سرپرست شهرداری هم هست به خودش نامه نوشته و درخواست منزل کرده است؛ طبیعتاً خودش هم پاراف کرده برای اقدام مقتضی -سلام، اطلاع‌رسانی، فردا صبح مراسم زیارت عاشورا -راهپیمایی اربعین گروه «Group» - حکایت دقیقاً حکایت کسانی است که برای تحریم‌ها تره هم خرد نمی‌کنند و مشغول رجزخوانی و خط و نشان کشیدن برای قدرت‌های جهان هم هستند... و ملت زیر خط فقر، همان درشکه‌چی‌اند که باید تمام سختی‌های تحریم را تحمل کنند... - خشک شدن دریاچه ارومیه در کتاب جغرافیای سال دهم دبیرستان استرالیا، به‌عنوان مثال تشریح موضوع انتقال آب و پیامدهای زیانبار آن است گروه «دمیر»</p>	<p>مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی</p>

عدم مطرح شدن
موضوعات مدنی و
امکان گردهمایی

مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی

-روسو خطاب به روحانیون مسیحی می‌گه:
دست از اثبات حقانیت مسیحیت بردارید؛ چون مسیحیت واقعاً برحق
است، بیایید اثبات کنید که خودتان مسیحی هستید...
- مردم هرگز از چیزهایی که دارند راضی نخواهند بود.
چیزی که شما آن را بی‌ارزش می‌دانید، بطور قطع برای کسانی دیگر
ارزشمند و غنیمت است.
-یه دوست دختر مذهبی داشتم هر روز براش یه رباعی از خیام
می‌فرستادم، بلکه یکم تمرکش رو بذاره رو این دنیا و خوش
بگذرونیم. لامصب ول کن آخرت نبود
-یکی از کاربران نوشت: آیت الله طالقانی: کسی که روی این
صندلی‌های راحت نشست، نمی‌تواند قانونی بنویسد که به درد روی
زمین‌نشستگان بخورد!
-کاربر دیگر: به‌عنوان یک شخصیت سیاسی بیای رو زمین بشینی،
بنظرم کار درستی نیست، رو صندلی بشین و محترمانه هم بشین، اما
انسان باش، البته درمورد ایشون قضاوتی نشه! شاید واقعاً هم خوب
بوده
گروه «مطالعات و برنامه‌ریزی درسی»
-خیلی از مشکلات تو تیم کاریم حل میشد
اگه فقط یاد بگیریم به جای اینکه در مورد هم حرف بزنینم، با همدیگه
حرف بزنینم.
گروه «بوی باران»
-کاربری نوشت-عربستان فتوا دادن زنان را هم آزاد کرد!
-کاربر دیگر نوشت: مثل اینکه ملک سلمان متحول شده
-کاربر سوم: -عجب!!! تو تلویزیون رسمیشون برنامه آموزشی نحوه
کتک زدن زن دارن. زناشون حق رانندگی ندارن. اون وقت مفتی زن
دارن!!! اینا دیگه کی ان؟؟؟؟
کاربر چهارم: بابا برید اون برنامه رو ببینین انقدر گیر ندین بهش
آموزشش اینه که زدن زن به نحو زیر درسته:
میگه با ته مسواک بزنین کف دستش اونم با کلی شرط و شروط.
کاربر دیگر در مورد افغان‌ها نوشت: مردم محلی در شاهدیه یزد با
تجمع در برابر مدرسه مخصوص مهاجران افغان، آن را به تعطیلی
کشاندند

همان‌طور که پیشتر ذکر شد؛ یکی از پیش‌فرض‌های شکل‌گیری حوزه عمومی، مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی درباره مسائل اجتماعی و سیاسی است. مطالبی که در گروه‌های تلگرامی بیان می‌شد، بسته به ماهیت تشکیل این گروه‌ها دارای محتوای متفاوتی هم بودند؛ مثلاً در گروه «معماری و شهرسازی» هیچ مطلبی بجز درخواست کاربران از همدیگر برای فایل‌ها یا نرم‌افزارهای شهرسازی به میان آورده نشد، اما در مورد سایر گروه‌ها در کنار مطالب دیگر (مثل ارسال جوک، پرسش و پاسخ در مورد پژوهش، احوال‌پرسی...) گروه‌ها تبدیل به تربیون‌هایی برای همه شهروندان جهت ارسال مطالب یا نقد دولت و مسائل اجتماعی بود. به‌عنوان مثال در گروه «دوستان پژوهشگاه» یکی از کاربران با طعنه نوشت «معاون حمل و نقل شهرداری رشت که سرپرست شهرداری هم هست، به خودش نامه نوشته و درخواست منزل کرده است؛ طبیعتاً خودش هم پاراف کرده برای اقدام مقتضی». و در گروه «بوی باران» در انتقادی تندی نسبت به سیاست‌های کشور در مورد مهاجرت افغان‌ها به ایران نوشت «مسئولین باید پاسخگو باشن که... سرشون به چپاول گرمه». یا کاربر دیگر نوشت «مردم محلی در شاهدیه یزد با تجمع در برابر مدرسه مخصوص مهاجران افغان، آن را به تعطیلی کشاندند». گروه «من انقلابی» با توجه به گرایش شدید اصول‌گرایی و ولایتی داشتن؛ دولت را به شدت مورد نقد قرار می‌داد که یکی از کاربران در حمله تندی به آقای روحانی، حرف‌های ایشان را «مغالطه‌آمیز» خواند. کاربر دیگر نوشت «توانمندسازی شغلی دانشجو باید به یکی از اولویت اصلی دانشگاه‌های شهرستان تبدیل شود». در گروه «دمیر» یکی از کاربران خبر از «همایش احیای فرهنگ چندم‌سری در تهران داد. یکی از سخنرانان می‌گوید خودش سه همسر و سخنران دیگر دو همسر دارند و پیش از توصیه به دیگران، خودشان عمل کرده‌اند». در مجموع آنچه که برای این مؤلفه از حوزه عمومی می‌توان بیان کرد، این است که در بین تمام مؤلفه‌های حوزه عمومی، قوی‌ترین مؤلفه مطرح شدن موضوعات مدنی بود، اما در مورد امکان گردهمایی هیچ مطلبی رؤیت نشد.

برابری در گفتگو

در مورد مؤلفه «برابری در گفتگو» همان‌طور که آقای «هادی خانیکی» در مقاله خویش (۱۳۹۶) نقل می‌کند «این مؤلفه را می‌توان در دو سطح مورد نقد و ارزیابی قرار داد؛ یکی ساختاری و دیگری محتوایی». از لحاظ ساختاری پیام‌رسان تلگرام امکانات قابل توجهی اعم از ارسال عکس، فیلم، کتاب... در دسترس خوانندگان قرار می‌دهد که در صورت تمایل، می‌توانند از آن استفاده

کنند. به عبارتی تلگرام فضای مناسبی را برای بحث و تبادل نظر در خدمت کاربران خویش قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال یکی از کاربران در گروه «بوی باران» نوشت: «دوستان مشارکت کنید» و در روزهای دیگر در همین گروه کاربر دیگری نوشت: «درخت نباشید (صحبت کنید)». و یا در گروه «مهارت پژوهش اجتماعی» کاربری نوشت: «دوست عزیز ما برای دل خودمان و آموزش خودمان و یادگیری خودمان داریم بحث می‌کنیم. شما هم تماایل داشتید می‌توانید استفاده کنید» که نشان از فراهم شدن فرصتی برای گفت‌وگو است، اما آنچه برای هابرماس رجحان می‌یابد؛ محتوا یا گفت‌وگو است. علی‌الظاهر همه کاربران در گفت‌وگو برابر هستند، اما گاه به‌صورت پنهان و گاه به‌صورت آشکار این برابری خدشه‌دار می‌شود. وجود سرمایه فرهنگی، موجب بروز نوعی سلطه پنهان در روابط فی‌مابین کاربران می‌شود؛ به‌گونه‌ای که کاربران، افراد با سطح تحصیلات بالا را به‌مثابه نظریاتی حقیقی تلقی می‌کنند. در گروه «بوی باران» کاربری به آموزش کتک‌زدن خانوم‌ها در عربستان اشاره کرد که با انتقاد کاربر دیگه روبه‌رو شده (بابا برید اون برنامه رو ببینین انقدر گیر ندین)، که کاربر اولی زود حرف خود را پس گرفته و نوشت «نمیدونستم خدایی، قبول میکنم». در نتیجه مؤلفه برابری در گفت‌وگو علی‌رغم تمام کاستی‌های خویش، از لحاظ ساختاری تا حدود زیادی دیده شد.

نتیجه‌گیری

امروزه ظهور ارتباطات و محصول کاملاً شناخته‌شده آن؛ یعنی تلگرام، در حال ایجاد تغییرات اساسی و رسمی در ماهیت، اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع مختلف اعم از پیشرفته و در حال توسعه است. یکی از عوامل توجه روز افزون پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاسی به این پدیده، نقشی است که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در رشد و تقویت حوزه عمومی و به‌مثابه آن دموکراسی و مشارکت مردمی داشته باشند. این توانایی به‌دلیل ویژگی‌هایی چون متمرکز نبودن، فراگیر بودن، تعاملی بودن و... خود را از سایر رسانه‌های جمعی نظیر رادیو و تلویزیون متمایز می‌کند. تحولات بسیار گسترده در عرصه ارتباطات که بسیاری آن را انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایمی جدیدی در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه بسیار سریع و حیرت‌آور فناوری‌های جدید ارتباطی در جهان امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته است که مهم‌ترین شکل و نمایان‌ترین محصول آن شبکه‌های اجتماعی و مشخصاً پیام‌رسان تلگرام است.

پیام‌رسان تلگرام که برخی آن را همسو و برابر با حوزه عمومی می‌دانند؛ با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مورد نقد قرار گرفته و مدعی است، بنا به دلایل ذیل، شبکه اجتماعی تلگرام را نمی‌توان به‌مثابه حوزه عمومی قلمداد کرد.

همانگونه که در یافته‌ها ذکر شد؛ در فضای سیاسی کشور که شرایط مساعدی برای نقد وجود ندارد، تلگرام شرایط جدیدی را برای نقد و بررسی فراهم ساخته است، اما این شبکه به دور از فشار سیاسی نبوده و کاربران (مخصوصاً کارمندان دولتی) محافظه‌کارانه عمل می‌کنند و حتی در برخی گروه‌ها، کاربران اجازه میانه‌روی هم ندارند که نشان از محدودیت‌های سیاسی است. همچنین یکی از معیارهای اصلی حوزه عمومی از نظر هابرماس استلالی منطقی و پذیرش نقد در فضای گفتمان می‌باشد، اما در بیشتر گروه‌ها، کاربران در مقابل استدلال‌های منطقی موضع دفاعی به خود گرفته و به‌شدت درصدد تخریب طرف مقابل بر می‌آیند و یا متوسل به مفاهیم ماورالطبیعه مثل «الله، ائمه، دین» می‌شوند که در صورت ادامه بحث، طرف مقابل متهم به بی‌خدایی و بی‌دینی می‌شود و یا عقاید شخصی خود را به‌عنوان عقاید جهانشمول مطرح می‌کند. در مورد مؤلفه مطرح شدن موضوعات مدنی در گروه‌های تلگرامی؛ در اکثر گروه‌ها به‌وفور مطالب مربوط به واقعیت‌های اجتماعی از قبیل آلودگی زیست‌محیطی و حقوق شهروندی و از همه بیشتر نقد دولت به چشم می‌خورد که درصدد تأثیر اراده عموم بر دولت بود، اما در بیشتر مواقع ناموفق عمل کرده و نظام سیاسی در مقابل این خواسته‌ها مقاومت می‌کند (هرچند در موارد اندکی هم دولت متأثر از این فشارها بوده است). بنابراین می‌توان گفت مؤلفه‌ها «مطرح شدن موضوعات مدنی» بیش از سایر مؤلفه‌ها به حوزه عمومی نزدیک شده است، اما مؤلفه «آزادی بیان» به شکل ناقص اجازه ظهور یافته‌اند.

ردیف	مؤلفه‌های حوزه عمومی از نظر هابرماس	شبکه‌های اجتماعی (پیام‌رسان تلگرام)
۱	آزادی بیان	به‌صورت ناقص وجود دارد
۲	تأثیر اراده عمومی بر دولت	در موارد معدودی وجود دارد، ولی به‌صورت کلی ناموفق عمل کرده است
۳	دسترسی عام و آزادانه تمام اقشار جامعه به شبکه‌های اجتماعی	این امکان کم بیش در اختیار کاربر وجود دارد
۴	انتقادی بودن و پذیرش انتقاد	این ویژگی در پایین‌ترین سطح ممکن در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد

ردیف	مؤلفه‌های حوزه عمومی از نظر هابرماس	شبکه‌های اجتماعی (پیام‌رسان تلگرام)
۵	مطرح شدن موضوعات مدنی و امکان گردهمایی	مطرح شدن موضوعات مدنی در بالاترین حد خود در تلگرام قابل مشاهده است، ولی ویژگی امکان گردهمایی از طریق تلگرام در حال حاضر عملی نشده است
۶	برابری در گفتگو	علاوین ضعف‌های موجود از لحاظ ساختاری تا حدی وجود دارد

حضور در فضای مجازی با توجه به خصوصیات و امکانات خاص این فضا که بیشتر متأثر از خاصیت ذاتی آن یعنی: گمنامی، تعامل هم‌زمان و غیرهم‌زمان با طیف وسیعی از دیگری‌ها اعم از در دسترس یا دور از دسترس در دنیای واقعی و در پی آن؛ دیدن بازتاب خود در ارتباط با سایرین، رویارویی با فضاها و جریان‌های ناآشنا، پشت سر نهادن نسبی مرزهای طبیعی و اجتماعی موجود در دنیای واقعی، دسترسی سریع و به نسبت آسان به طیف وسیعی از اطلاعات؛ اعم از محلی جهانی، تخصصی، عمومی و غیره، تعامل و ارتباط صرفاً مبتنی بر نوشتار با سایرین و بی‌نهایت امکان دیگر، کاربران را قادر می‌سازد برخی از تجارب خرد و کلان ویژه زندگی در جوامع مدرن کنونی را با توجه به ساختارها، نهادها و ساخت‌های مختص این نوع جوامع کسب و از آنها تأثیر پذیرند؛ تجاربی نظیر جدایی مکان از فضا، برقراری روابط دوستانه و صمیمی با افراد متعدد و متفاوت همراه با احساس نوعی تعهد درونی به رابطه، اعتماد به افراد و ساختارهای نامرئی با در نظر گرفتن و پذیرفتن بیم‌ها و مخاطرات موجود، تجربه آزادی، استقلال و قدرتمندی فردی، سیال بودن و جهان‌وطنی، تجربه بازاندیشی دائمی و مداوم و غیره.

در پایان، ذکر چند نکته اهمیت اساسی دارد. با توجه به مفاهیم حوزه عمومی و مرور آنچه در این نوشتار مطرح شد، نشان می‌دهد الزاماً همه موارد مورد نظر هابرماس در مورد حوزه عمومی در گروه‌های تلگرامی تطبیق ندارد یا آنچه به‌وجود آمده است، نمونه تضعیف‌شده‌ای از حوزه عمومی است که در آن معیارهای حوزه عمومی هابرماس یا امکان شکل‌گیری نداشته یا به شکل ضعیف و تغییر شکل یافته‌ای ظهور یافتند.

رسانه‌های جدید در حکم فضاهاى جدید می‌توانند بدیلی برای محدودیت‌های مکانی و زمانی حوزه عمومی سنتی شوند. شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همراه با محدودیت‌های حوزه عمومی سنتی ایران زمینه‌ساز ورود کاربران به بستری جدید با محوریت فناوری‌های ارتباطی

شد. از این رو، گسترش رسانه‌های جدید و اشکال متنوع آن، از جمله شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند از نوعی تغییر در حوزه عمومی سنتی ایران حکایت داشته باشد.

پیام‌رسان تلگرام می‌تواند به امر شکل‌گیری حوزه عمومی کمک شایانی داشته باشد و در موارد بسیاری ما شاهد آن بوده‌ایم که با فراگیر شدن موضوعی در تلگرام و آگاه شدن جامعه از آن مسئله، نظام سیاسی مجبور به عقب‌نشینی در مقابل مردم شده است. بنابراین اینترنت و معنای اخص آن، پیام‌رسان تلگرام به خودی خود، منجر به احیا و یا تعمیق حوزه عمومی نخواهد شد، بلکه این شبکه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی دیگر در کنار ظرفیت‌های مثبت خود برای احیای حوزه عمومی، نیازمند تحقق شرایط و ویژگی‌های دیگری از جمله مفاهیم مورد نظر هابرماس است.



منابع

- خانیکی، هادی. اتابک، محمد، عزیزی، فرید(۱۳۹۶) تحلیل وضعیت شبکه های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس(مورد مطالعه چند گروه فیس بوکی). فصلنامه فرهنگ و ارتباطات. دوره ۱۸، شماره ۳۷
- دشتگلی، مانا(۱۳۹۵) تحلیل تطبیقی تاریخی دگرگونی کنش ارتباطی حوزه عمومی جامعه مدنی و دموکراسی در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی. سال یک/شماره یک
- ربیعی، علی(۱۳۹۱) تحلیل وبلاگ های سیاسی-اجتماعی با رویکرد حوزه عمومی هابرماس. مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی. دوره ۷، شماره ۲، شماره، پیاپی ۱۴
- رجب لو، علی. علوی، لیلی(۱۳۹۰) رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی در دانشجویان. دانشنامه علوم اجتماعی. دوره ۳، شماره ۱
- سودمندی، عبدالحمید(۱۳۹۵) اجرای حق آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره دو
- سیدعلوی، سید مسعود. نقیب السادات، سید رضا(۱۳۹۱) حوزه عمومی در فضای مجازی مولفه های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه های ایران. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۵۷
- عبداللهیان، حمید، اجاق، سیده زهرا(۱۳۸۵) بازتولید عقلانیت سنتی و خصلتهای عقلانیت ارتباطی در حوزه عمومی ایرانی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. دوره ۲، شماره ۷، از صفحه ۴۳ تا صفحه ۵۹
- عدلی پور، صمد. یزدخواستی، بهجت. کیخانی، الهام(۱۳۹۱) حوزه عمومی و گفت و گو در فضای مجازی شبکه های اجتماعی. مطالعات فرهنگ-ارتباط. سال چهارم، شماره ۲۱
- عدلی پور، صمد. معمار، ثریا. خاکسار، فائزه(۱۳۹۱) شبکه های اجتماعی مجازی و بحران هویت، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال اول، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- عسگرخانی، ابومحمد. قربانی، فاطمه. حلال خور، مهرداد(۱۳۹۳) نقش رسانه های اجتماعی جدید و شبکه سازی در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و بحران های پس از آن. فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰
- فرزانه، سیف الله. فلاحی شهاب الدینی، راضیه(۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی(مورد مطالعه: دانش آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر بابل).
- قانع راد، محمد امین. جنادله، علی(۱۳۹۴) رویکردهای متعارض درباره تکوین حوزه عمومی در فضای مجازی. مجله سیاست علم و فناوری. شماره ۳۲

قصابی، فاطمه. نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۹۴) رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. نقش ارزش های فرهنگی بر محتوای شبکه های اجتماعی. سال ۵، شماره ۱
محسنی تبریزی، علیرضا؛ هویدا، لادن و فاطمه امیدی (۱۳۸۹) استغراق در فضای مجازی و عوارض فردی و روانی آن: پیمایش کاربران جوان اینترنت در شهر تهران، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۳

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۳) اینترنت و حوزه عمومی، مجله رسانه، شماره ۵۹
هابرماس، یورگن (۱۳۸۶) دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، نشر افکار
والی عباس، محمدی، محمد کریم (۱۳۹۵) سیاست به مثابه عقلانیت ارتباطی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی/شماره چهاردهم/

یزدخواستی، بهجت. عدلی پور، صمد.. سپهری، آسیه (۱۳۹۲) تحلیل محتوای صفحات و گروه های شبکه اجتماعی فیس بوک و حوزه عمومی هابرماس، مطالعه و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۲ ف شماره ۱

Abdullahiyan, Hamid, Ajaq, Seyedah Zahra, «Reproduction of traditional rationality and characteristics of communicative rationality in the Iranian public domain», *Cultural studies and communication*, (2005), Volume 2, Number 7, from page 43 to page 59.
Adlipour, Samad. Yazdakhati, Behjat, Kikhaei, Elham, «Public domain and dialogue in the virtual space of social networks», *Culture-Communication Studies*, (۲۰۱۳) 4 year, number 21.
Adlipour, Samad. Architect, Soraya. Khaksar, Faeze, «Virtual social networks and identity crisis», *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, (۲۰۱۲), Year 1, Number 4, pp. 155-176.
Asgarkhani, Abu Mohammad, Ghorbani, Fatima. Halal Khor, Mehrdad. «The role of new social media and networking in Egypt's January 25 revolution and the crises after it», *Strategic Policy Research Quarterly*, (2013), 3 year, number 10.

Dashtogli, Mana, «historical comparative analysis of the transformation of the communication action of the public domain of civil society and democracy in Iran», Two quarterly journals of participation and social development, (2016), Year one/number one **University Jihad Humanities and Social Studies Research Institute**.

Dillon, K. P., Bushman, B. J. «Unresponsive or un-noticed? Cyber bystander intervention in an experimental cyberbullying context», *Journal of Computers in Human Behavior*, (2015), 45 (3): 144–150.

- Farzaneh Saifullah, Falahati Shahab al-Dini Razia, «Investigating the social factors affecting the trend towards virtual social networks (case study: female secondary school students of the second year of Babol city)», *Two Quarterly Journals of Participation and Social Development*, (2014), Volume 1, Number 1.
- Ganei Rad, Mohammad Amin, Junadele, Ali, «conflicting approaches about the formation of the public domain in cyber space», *Journal of science and technology policy*, (2014), Number 32.
- Habermas, Jurgan, «**Structural Transformation of the Public Sphere**», translated by Jamal Mohammadi, (1386), Tehran, Afkar Publishing.
- Kasabi, Fatemeh, Naqib Al Sadat Seyedreza, «The role of cultural values in the content of social networks (a comparative study of the content of Iranian and nonIranian social networks)», **publication: Interdisciplinary Studies in Media and Culture (Media and Culture)**, (2014), Volume 5, Number 1.
- Kelly, J. & Etling, B. «**Mapping Iran's Online Public: Politics and Culture in the Persian Blogosphere**», (2008).
- Khaniki, Hadi, Atabek, Mohammad, Azizi, Farid, «Analysis of the status of virtual social networks in Iran with the approach of Habermas' public domain (a case study of several Facebook groups)», *Culture and Communication Quarterly*, Volume 18, (2016), Number 37.
- Mohseni Tabrizi, Alireza; Hoyda, Laden and Fatemeh Omidi, «Involvement in cyberspace and its personal and psychological effects: a survey of young Internet users in Tehran», *Social Sciences Research Journal*, (2009), 4th year, number 3.
- Mahdizadeh, Seyyed Mohammad, «Internet and Public Domain», *Media Magazine*, (2013), No. 59.
- Mousavi khamaneh, marzieh. Rajabloo, Ali. Alavi Leyla, «The relationship between action in the public sphere and the degree of experiencing shame as social ethics in students», (2011). *Journal of Encyclopedia of Social Sciences, third period*, No 1.
- Rabiei, Ali, «Analyzing social-political blogs with Habermas' public domain approach», *World Media Magazine - Persian version*. Period, (2012) 7, number 2, number, consecutive 14.
- Rajab Lu, Ali, Alavi, Laili, «The relationship between action in the public sphere and the degree of experiencing shame as social ethics in students», *Encyclopedia of social sciences*, (2013), Volume 3, Number 1.
- Soodmandi, Abdul Hamid, «Implementation of the right to freedom of expression in the international human rights system», *Shiraz University Legal Studies Journal*, (2016), Volume 8, Number Two.

Seyed Alavi, Seyed Masoud, Naqib Al-Sadat, Seyed Reza, Public sphere in the virtual space, the formed components of the virtual public sphere from the point of view of communication science and political science experts in Iranian universities, **Social Sciences Quarterly of Allameh Tabatabai University**, (2012), Number 57.

Wali Abbas, Mohammadi, Mohammad Karim, «Politics as communication rationality», **Specialized Quarterly Journal of Political Science**, (2015), Number 14.

White, M.D., E.E. Marsh. Content Analysis: A Flexible Methodology». **LIBRARY TRENDS**, (2006), (55-1). PP. 22-45.

Yazdakhati, Behjat, Adlipour, Samad, Sepehri, Asieh, «Content analysis of Facebook social network pages and groups and Habermas public domain», **social study and research in Iran**, (2012), Volume 2, Number 1.

